



بررسی و نقد تغییر عناصر فرهنگی . اجتماعی

در ترجمه رمان «بیت سیء السمعة»

د. محمود رضا توکلی محمدی(*)

د. علی خالقی(**)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۳/۷/۴

تاریخ پذیرش: ۲۰۲۳/۹/۲۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل چالشی و مورد بحث در فرآیند ترجمه، موضوع گفتارهای فرهنگی و اجتماعی بر این فرآیند است. دخل و تصرف در ترجمه هنگامی رخ می‌دهد که یک مترجم پس از رهایی از بافت و سیاق متن زبان مبدأ، بخواهد از ساختار شکلی و محتوایی آن رهایی یابد و آن متن را با توجه به شرایط رسانه متبوع و مخاطبان آن دوباره بازنویسی کرده و در نتیجه نقش متن را در زبان مقصد تغییر دهد. نجیب محفوظ به عنوان یکی از نویسندگان برجسته زبان عربی رمان‌های زیادی از خود برجای گذاشته که از آن جمله می‌توان به رمان «البیت سیء السمعة» اشاره نمود. این رمان با کوشش «حسین شمس آبادی و فرشته افضلی» به زبان

(*) استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

(**) استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) @akhaleghi24

yahoo.com

فارسی ترجمه شده است؛ پژوهش حاضر می‌کوشد تا نحوه تغییرات فرهنگی و اجتماعی گفتمانی را در فرایند ترجمه این رمان بررسی کند. بدین منظور الگوی کیفیت ترجمه «جولیان هاوس»، که نگاهی دقیق به وضعیت دخالت‌های گفتمانی در متن دارد، به عنوان روش تحقیق انتخاب شد. از نظر جولیان هاوس، عنصر شیوة بیان، شگرد تغییرات و تاثیر مسایل ایدئولوژیکی را به همراه دارد. الگوی هاوس با تکیه بر توجه خاصی که به تغییر نقش متن دارد به خوبی می‌تواند اختلاف بین وضعیت متن در زبان مبدا و مقصد نشان دهد. این جستار ادبی به تطبیق و مقایسه متن عربی و فارسی رمان «البیت سیء السمعة» براساس الگوی یاد شده می‌پردازد. در نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، ژانر متن چندان دستخوش تغییر نشده اما تغییراتی چون حذف، انتخاب برابرنهاد نامناسب و گاه تغییراتی برای از بین بردن تنش موجود در متن اصلی به شکلی آگاهانه مشاهده می‌گردد.

کلید واژه‌ها: گفتمان، ترجمه، بیت سیء السمعة، نجیب محفوظ، جولیان هاوس.

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان ریشه در زبان‌شناسی دارد و اصطلاح «تحلیل گفتمان»^(۱) نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیگ هریس^(۲) به کار رفته است. وی در این مقاله «با ارائه دیدگاهی صورت‌گرایانه از جمله، تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی ساختارگرایانه به جمله و متن برشمرد» (بهرامپور، ۱۳۷۹ هـ ش، ص ۲۲). پس از وی، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری مانند گفت وگوها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و تحلیل متن، شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و غیره دانسته‌اند. مطالعات گفتمانی بر این نکته تأکید دارد که «کاربرد زبان و تفکر به شکل همیشگی

(1) Discourse analysis

(2) Zellig Harris

و کارکردی در تعامل اجتماعی گفتمان متجلی می‌شود» (وان دایک، ۱۳۸۲ هـ ش، ص ۷۲). نقد ترجمه به عنوان مبحثی جدید، در زمره مباحث زبان‌شناسی می‌گنجد که با ادبیات تطبیقی هم مرتبط است. نقد و تحلیل هر ترجمه‌ای باعث توسعه و بهبود آثار آینده خواهد شد و اگر این نقد با روشی مناسب و تحلیلی درخور صورت پذیرد به توسعه و پیشرفت کیفیت ترجمه و روش نقد آن کمک خواهد نمود. نقد ترجمه رمان و ارتباط گسترده زبان فارسی و عربی در طول سالیان دراز به اهمیت ترجمه رمان از فارسی به عربی و بالعکس می‌افزاید؛ و به دنبال آن نقد این ترجمه‌ها هم افزون‌تر خواهد شد.

۱-۱. طرح مسأله

تحلیل گفتمان انتقادی بر سازه‌گرایی اجتماعی و فرهنگی مبتنی است. تحلیل گفتمان ساخت‌گرا و نقش‌گرا، اساساً در این چارچوب نمی‌گنجد، ولی تحلیل گفتمان انتقادی، به ویژه رویکرد فرکلاف، فوکو^(۱) و نظریه گفتمان ارنستو لاکلا^(۲) و شنتال موفه^(۳)، همگی ریشه در سازه‌گرایی اجتماعی دارند. «تحلیل گفتمان انتقادی تنها به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد، بلکه به بررسی افراد و نهادهایی می‌پردازد که شیوه‌هایی برای معناپردازی از متن دارند؛ لذا در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان کاوی، تجزیه و تحلیل ساختارها و معناهایی است که بار ایدئولوژیک دارند» (مکاریک، ۱۳۸۲ هـ ش، ص ۱۶۰-۱۶۱). یکی از زمینه‌های مناسب برای «تحلیل گفتمان انتقادی رمان و کانالی است که شالوده رمان را از داستان نویسی به دریافت‌کننده انتقال می‌دهد» (الحمدا، ۱۹۹۱م، ص ۴۵). کتاب خانه بدنام، مجموعه داستان‌هایی از نجیب محفوظ، نویسنده مصری برنده نوبل ادبیات است. او در بیشتر داستان‌هایش، بحران نسل خویش، نابسامانی اوضاع و آشفتگی زمان خود را

(1) Michel Foucault

(2) Ernesto Laclau

(3) Chantal Mouffe

به تصویر کشیده است. این رمان توسط «حسین شمس آبادی و فرشته افضلی»، در انتشارات روزگار سال (۱۳۸۸ش) به زیور طبع آراسته شده است. نظر به اهمیت جایگاه این رمان، نقد آن هم از زوایای فرهنگی و اجتماعی دارای اقبال و اهمیت بوده و با توجه به وجود عناصر منحصر به فرد جهت عرضه آن در بوته نقد از منظر گفتمان قابل بررسی است. مقاله حاضر با بررسی رمان «بیت سیء السمعة» براساس سطوح گفتمان جولیان هاوس، گفتمان شرقی، قومی، سیاسی، دینی، قانون‌گریزی و ساختارشکنی، به تحلیل داده‌ها می‌پردازد.

۱-۲. پرسش‌های تحقیق

پژوهش حاضر برآن است تا با پژوهش در ترجمه مورد نظر به پاسخ پرسش‌های زیر دست یابد:

۱. چه عناصر فرهنگی یا گفتمان‌هایی در ترجمه این مجموعه رمان دستخوش تغییر شده است؟
۲. در فرآیند ترجمه، زبان واسطه باعث تغییر چه عناصر فرهنگی - اجتماعی در ترجمه فارسی این مجموعه شده است؟
۳. انگیزه‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار در تفاوت دو نسخه فارسی و عربی و نقش آن در اختلاف معنا کدامند؟

۱-۳. پیشینه تحقیق

برخی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که به نوعی می‌تواند به عنوان پیشینه‌ای بر پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گیرند عبارتند از:

- مقاله‌ای با موضوع «نقد برگردان فارسی کتاب داستان پسامدرنیستی از منظر رویکرد ارزیابی کیفیت ترجمه»، توسط ناقد: ابوالفضل حری، در مجله پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دی ۱۳۹۶، شماره ۵۰، صص ۱ تا ۲۷ منتشر شده است. ناقد در این ترجمه از روش جولیان هاوس بهره گرفته و پس از

معرفی کتاب اصلی، الگوی جولیان هاوس معرفی و درضمن آن الگویی بر ساخته برای بررسی متن اصلی و ترجمه آن ارائه می‌شود و در نهایت، بخش‌هایی از کتاب اصلی و دو برگردان فارسی آن از منظر مؤلفه‌های رایج در ارزیابی نقد و کیفیت ترجمه در سطوح واژگانی، نحوی و معنایی بررسی و تحلیل می‌شود.

مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس» به قلم ناصر رشیدی و شهین فرزانه در سال (۱۳۸۹) در مجله زبان پژوهی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۰۵-۵۷ منتشر شد. مقاله‌ای دیگر با نام «ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دُن کیشوت اثر میگوئل دُ. سروانتس بر اساس الگوی گارسس» که به قلم ناصر رشیدی و شهین فرزانه (۱۳۹۲) در مجله زبان و ادب فارسی، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۴۱-۵۶ نوشته شده است؛ در این دو مقاله، نگارندگان با تکیه بر مدل گارسس، اقدام به ارزیابی و مقایسه ترجمه رمان‌های نامبرده و ذکر نکات مثبت و منفی آن نموده‌اند که با تبیین و تعریف نظریه گارسس، حاصل کار به سنجش جوانب مختلف این ترجمه‌ها بر اساس الگوی مذکور انجامیده و نیز ترجمه‌های مقبول و قوی از ترجمه‌هایی که به صورت نه چندان مورد قبول ارائه شده، تفکیک داده شده است. اما نکته شایسته ملاحظه اینکه نگارندگان فارغ از بحث درباره ماده پژوهش و به جای بررسی موردی نمونه‌های آماری (به‌ویژه در مقاله دوم) و ذکر مثال‌های عینی، تجزیه و تحلیل مثال‌ها مطابق با الگوی مد نظر، ارائه معلومات کاربردی از الگو، نحوه اجرا و تطبیق آن در ترجمه یک اثر، اغلب به ذکر نظریه‌های مختلف در این زمینه اکتفا کرده‌اند و پس از توضیحاتی در باب نظریه، به طور مستقیم به ارائه صرف داده‌هایی پرداخته‌اند که خواننده هیچ گونه ذهنیتی از چگونگی جمع‌آوری آن داده‌ها در ارتباط با الگو به دست نمی‌آورد.

پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون ادبی مطالعه موردی، نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش «قصص، روایه و مسرحیه»

نوشته پروین فرهادی در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مورد دفاع قرار گرفت. نگارنده در آن به مطالعه موردی، یا به عبارتی، نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات، از نُه مترجم با تکیه بر الگوی گارسس پرداخته است و بر اساس دو معیار کفایت و مقبولیت و با توجه به میزان ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت، به دسته‌بندی ترجمه‌هایی که از محدوده کفایت و مقبولیت، خارج و کیفیت پایینی دارند، اقدام کرده است. لذا بر اساس جستجوهای صورت گرفته در پایگاه‌های اینترنتی تاکنون پژوهش مستقلی با محوریت ترجمه رمان خانه بدنام انجام پذیرفته است. وجه نوآوری در این پژوهش بررسی تطبیقی ترجمه برگزیده از این رمان است که توسط حسین شمس‌آبادی و فرشته افضلی، در انتشارات روزگار سال (۱۳۸۸) به چاپ رسیده است.

شایان ذکر است درباره نقد ترجمه رمان‌های عربی براساس نظریه‌ی جولیان هاوس پژوهش‌های بسیاری انجام نشده و همین امر بر جدید و تازه بودن موضوع این پژوهش صحه می‌گذارد.

۲. جولیا س هاوس و گفتمان ترجمه

سامیه بزّی (۲۰۰۹) الگوی هاوس را رویکردی تجویزی تلقی نموده، بدین معنا که هاوس مترجم را به سمت تشخیص نقش کلی متن مبدأ، تشخیص نوع سیاق و نهایتاً مقابله متون مبدأ و مقصد برای استخراج تغییرات سیاق گفتمان و موارد ناهمخوانی در نقش بینافردی (که مبین دیدگاه یا نیت مؤلف است) سوق می‌دهد و این شیوه تعیین تکلیف ماهیت تجویزی است؛ سامیه بزّی مخصوصاً نسخه پیچی هاوس را در مورد اینکه مترجم «نباید» دیدگاه و نگرش مؤلف متن مبدأ را در موقعیت مقصد تغییر دهد (مگر به منظور پر کردن خلاءهای فرهنگی مورد انتقاد قرار می‌دهد و به استناد پیکر قابل ملاحظه‌ای از داده‌های ترجمه متون رسانه‌ای با موضوع منازعه

اعراب و اسرائیل) نشان می‌دهد که عمل به این نسخه‌های تجویزی در دنیای واقع میسر نیست و فشارهای ایدئولوژیکی بیرونی و ترجیحات فکری مخاطب هدف چنان تأثیر نیرومندی بر عملکرد مترجم باقی می‌گذارند که وی اساساً در موضعی نیست که بخواهد نگرش بینافردی و ایدئولوژیکی مؤلف یا متن مبدأ را دست کم در ترجمه متون حساس حفظ کند. بڑی همچنین بر هاوس خرده می‌گیرد که اگر دخالت ایدئولوژیکی در ترجمه منتهی به آن چیزی می‌شود که وی آن را «خط» قلمداد می‌کند، آنگاه «چگونه می‌توان مطالعات ترجمه را تا بافت‌های گسترده‌تر اجتماعی - سیاسی توسعه بخشید» (بڑی، ۲۰۰۹م، ص ۲۰۳).

به تعبیر هاوس «در ترجمه نهان، مترجم می‌تواند و باید سعی کند تا واقعه اجتماعی - فرهنگی معادلی را بازآفرینی کند. در اینجا، ترجمه باید به صورتی عمل کند که انگار ترجمه نیست. پس وظیفه مترجم، به مفهومی، پنهان کردن منشاء اصلی متن است» (هاوس، ۱۳۸۸ هـ ش، ص ۴۸). در الگوی تحلیل انتقادی ترجمه به جای مقابله نماهای نقشی متون مبدأ و مقصد از مقابله نماهای نقشی رویدادهای ارتباطی (خرده متن‌های) موازی در متون مبدأ و مقصد بهره می‌جوئیم. به منظور تشخیص رویدادها یا موقعیت‌های ارتباطی استفاده از روش «تحلیل رویداد» ون دایک (۱۹۸۲م) پیشنهاد می‌گردد. مفهوم رویداد یا اپیزود کم و بیش معادل مفهوم سنتی «پاراگراف» است. «رویدادها رشته‌های منسجمی از جملات گفتمان هستند که ویژگی‌های زبانی معینی ابتدا و انتهای آنها را مشخص می‌کند و برحسب نوعی «وحدت درونمایه‌ای» برای مثال، بر حسب مشارکین، زمان و مکان همانند و با وقایع و کنش‌های کلی از یکدیگر متمایز می‌گردند» (ون دایک، ۱۹۸۲م، ص ۱۷۷). تقلیل سطح تحلیل و نقد ترجمه از متن به رویداد ارتباطی اولاً با ماهیت ارتباطی نظریه سیاق و با روح نقش‌گرایی که زیربنای نظری هر دو الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه و تحلیل انتقادی ترجمه را رقم می‌زند، انطباق بیشتری دارد و ثانیاً به کنش عملی ترجمه در دنیای واقعی نزدیک‌تر است؛ ضمن آنکه نیاز به اظهار نظر در

مورد نقش کلی متن مقصد و تعلق آن به ترجمه آشکار و پنهان را که بعضاً به نوعی بن‌بست تحلیلی منتهی می‌شود از میان می‌برد. بدین ترتیب، نقش متنی منحصر به فرد، که در الگوی هاوس مؤلفه بسیار مهمی به حساب می‌آید. شایان ذکر است هرگاه مترجم نیاز به کاربرد صافی فرهنگی را احساس نماید، می‌توان انتظار داشت که نتیجه کار او به طور نسبی به سمت ترجمه پنهان میل خواهد کرد، اما اگر نیاز به کاربرد صافی فرهنگی را احساس نکند و عناصر فرهنگی مبدأ را به نظام مقصد منتقل نماید، نتیجه کار را نمی‌توان الزاماً ترجمه آشکار به معنای مورد نظر هاوس قلمداد کرد. بدین ترتیب، در تحقیق حاضر بر خلاف الگوی جولیان هاوس که نیل به تعادل نقشی را منوط به کاربرد صافی فرهنگی می‌داند، ایجاد تعادل نقشی می‌تواند حسب مورد با کاربرد یا بدون کاربرد صافی فرهنگی محقق گردد. بنابراین اظهار نظر تجویزی هاوس در مورد اینکه ترجمه پنهان الزاماً منوط به کاربرد صافی فرهنگی است» (ر.ک: هاوس، ۱۹۹۷م، ص ۲۰۹).

۳. گذری کوتاه بر رمان «بیت سء السمعة»

مجموعه داستانی «بیت سء السمعة: خانه بدنام» از آثار برجسته نجیب محفوظ (۲۰۰۶-۱۹۱۱)، برنده نوبل ادبیات است. او که فرزند یک کارمند دولتی بود در بخش فرهنگی خدمات کشوری مصر، از ۱۹۳۴ تا زمان بازنشستگی‌اش در ۱۹۷۱، مشغول به کار بود. محفوظ ۳۰ کتاب داستانی نوشت و در ۱۹۸۸ برنده نوبل ادبیات شد تا اولین عرب زبانی باشد که این جایزه را دریافت می‌کند. او در بیشتر داستان‌هایش، بحران نسل خویش، نابسامانی اوضاع و آشفتگی زمان خود را به تصویر کشیده است. خانه بدنام محل رفت و آمد جوانان بدنام بوده و از این رو به این نام شهرت یافته است. «میمی» که یکی از دختران خانه بدنام است روزی با احمد دیدار کرده و به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد. اما احمد از این که با دختری از خانه بدنام ازدواج کند می‌ترسد و این پیشنهاد را رد می‌کند. پس از گذشت سال‌ها از

این ماجرا، زمانی که میمی به پنجاه سالگی رسیده و برای دریافت حقوق مستمری همسرش که اکنون فوت کرده به اداره بیمه مراجعه کرده است ناگهان با احمد که اکنون ناظر کل کارمندان بیمه است روبه‌رو می‌شود. احمد با مشاهده میمی خاطرات گذشته را در ذهن مرور می‌کند. خانه بدنام یکی از داستان‌های مجموعه حاضر و از داستان‌های «نجیب محفوظ» نویسنده مصری است. عناوین برخی دیگر از داستان‌های کتاب عبارت است از: رویای نیمه‌شب؛ رنگین‌کمان؛ ترس؛ خاکستر؛ لوناپارس؛ و روز پرازدحام.

۴. پردازش تحلیلی موضوع

پس از بررسی رمان «بیت سیء السمعة» اثر نجیب محفوظ و ترجمه فارسی آن (خانه بدنام) در سطح واژگان و جمله‌ها، روابط معنایی و گفتمان‌های غالب بر متن رمان نجیب محفوظ، فهم شده است؛ سپس تغییرهای ایدئولوژیک و گفتمانی نشأت گرفته از ترجمه فارسی، مورد بحث قرار گرفته و به عبارت دیگر تلاش شده تا تأثیرات ایدئولوژیک و گفتمان محور اندیشه مترجمان این رمان در سطوح پنج‌گانه‌ای این ترجمه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد:

۴-۱. گفتمان شرفی

در ترجمه رمان «بیت سیء السمعة» به قلم حسین شمس آبادی و فرشته افضلی به زبان فارسی، ارتباط مستحکمی بین زبان مبدأ و مقصد برقرار است. به تعبیر هاوس، نویسنده توانسته است ترجمه‌ای نهان را ارائه دهد. هاوس در این زمینه می‌گوید: «در ترجمه نهان، مترجم می‌تواند و باید سعی کند تا واقعه اجتماعی - فرهنگی معادلی را بازآفرینی کند. در اینجا، ترجمه باید به صورتی عمل کند که انگار ترجمه نیست. پس وظیفه مترجم، به مفهومی، پنهان کردن منشاء اصلی متن است» (هاوس، ۱۳۸۸ هـ. ش، ص ۴۸). به نظر وی، برای دستیابی به این مقصود باید

از صافی فرهنگی استفاده کرد. اما «ترجمة آشکار» ترجمه‌ای است که تا حد امکان دست‌نخورده باقی می‌ماند و چهارچوب‌های اجتماعی - فرهنگی گفتمان متن اصلی را رعایت می‌کند باورها و اعتقادات شرقی یکی از گفتمان‌های موجود در رمان‌های عربی و بویژه رمان نجیب محفوظ است:

«اجتمعت الأسرة على هيئة مجلس للشورى. ذلك تقليد جميل متبع من زمن بعيد بفضل حكمة الوالدين: حسن دهمان و هو من رجال التربية و علم النفس، و السيدة نظيرة و هي مفتشة كبيرة بوزارة الشؤون. و الغرض منه تربوي لإشراك الأبناء في تحمل المسؤولية و تفهم الحياة فضلاً عن أنه يجعل من العقل المحرك الأول لسلوكهم» (محفوظ، ۲۰۱۵م، ص ۳۲).

ترجمه: اهل خانه به شکل شورا دور هم گرد آمدند. این عمل یک سنت زیبا از زمان‌های گذشته بود که به برکت خود این پدر و مادر یعنی حسن دهمان از کارکنان آموزش و پرورش و روانشناسی و خانم نظیره سر بازرس وزارت کار، دنبال می‌شد. هدف از این شورا پرورشی بود تا فرزندان را در به عهده‌گیری مسئولیت و درک زندگی شرکت دهند، گذشته از اینکه، این شورا عقل و خرد را عامل اصلی رفتارهای آنها قرار می‌داد (شمس آبادی و افضلی، ۱۳۸۸ هـ ش، ص ۵۰).

همانطور که در مثال فوق مشاهده می‌نماییم نجیب محفوظ به یکی از سنت‌های خوب در میان مردم خود اشاره می‌کند و آن یک گردهمایی قدیمی برای تصمیم‌گیری در مورد امری است. دلیل این امر نیز تأکید بر بنیان خانواده و نقش تربیتی آن در پرورش فرزندان و آماده ساختن آنها برای ورود به زندگی اجتماعی است. مترجم نیز به خوبی توانسته است در این ترجمه مفهوم مدنظر نویسنده را به خواننده منعکس نماید.

یکی دیگر از گفتمان‌های اجتماعی حاضر در متن رمان، دعوت به صداقت و راستی در نزد شرقی‌ها است:

«الصدقة نعمة كبيرة و علينا أن نستزید منها کلّما وسعنا ذلك. والمدير العامّ

مجرد زمیل أكبر ولكنه سيكون غداً صديقاً، والحياة الاجتماعية تطالبنا بواجبات نافعة لا بد منها. و قال طاهر لنفسه: هذا هو عين العقل» (محموظ، ۲۰۱۵م، ص ۳۶).

ترجمه: دوستی نعمت بزرگی است و ما باید هر اندازه که می‌توانیم آن را زیاد کنیم. مدیرکل فقط یک همکار بزرگتر است، ولی فردا یک دوست می‌شود، زندگی اجتماعی تکلیف و وظایف سودمندی را از ما می‌خواهد که باید آنها را انجام دهیم... طاهر با خود گفت: این کاملاً عاقلانه است (شمس آبادی وافضلی، ۱۳۸۸ هـ ش، ص ۵۸).

یکی از واژه‌هایی که در این بخش رمان مدنظر نویسنده است واژه (الصدقة) است که مترجم با واژه (دوستی) برای آن برابریابی کرده؛ هرچند دو واژه «دوستی و صداقت» دارای ارتباط مفهومی با یکدیگر هستند، ولی مترجم بایستی در بازگردانی الفاظ از زبان مبدأ به معنای حقیقی واژه یعنی (صداقت و راستی) پایبند باشد. براساس نظریه جولیان هاوس و ضرورت توجه به گفتمان فرهنگی - در اینجا مقصود صداقت- که یکی از مفاهیم بنیادین در آموزه‌های مشرق زمین محسوب می‌شود مترجم نیز باید برحسب زبان متن مبدأ بدان مفاهیم توجه ویژه‌ای داشته باشد که البته اینگونه نبوده است و پیشنهاد می‌گردد که این واژه (الصدقة) با معادل همان (صداقت و راستی) ترجمه گردد.

ترجمه پیشنهادی: (صداقت نعمت بزرگی است و ما باید هر اندازه که می‌توانیم آن را گسترش دهیم).

۲-۴. گفتمان قوم‌ی

نجیب محفوظ در رمان خود دو رویکرد متفاوت در قبال فرهنگ عربی دارد؛ او در بسیاری از سطور رمان، سنت‌های قبیله‌ای عرب را نقد می‌کند، اما در برخی از بخش‌های رمان، برای نقد جامعه قبیله‌گرا، از گفتمان و ارزش‌های قبیله‌ای استفاده می‌کند. در این دسته از متون، گفتمان حاکم بر نثر، گفتمان عرب‌گرایی و قبیله‌گرایی

است که عناصر مختلف این رویکرد را در رمان او می‌بینیم و یکی از این عناصر خشم و جهل در نزد برخی از مردم است. شخصیت عباس در داستان را می‌توان یکی از نشان‌گرهای خشم و جهل به شمار آورد. عباس هنگام شنیدن ازدواج مادرش بدون در نظر گرفتن حقّ شرعی و قانونی مادر برای ازدواج به تندی با وی سخن می‌گوید: «وهو أمِّي لم يحصل في الكتاب حرفاً ولذلك فتح له أبوه دكاناً من دكاكين العمارة لبيع الحلوى والفول السوداني واللبن فكان يغدق على الأطفال بغير حساب. ومّا تزوجت أمه من حسنين غاب عن الحى أياماً ثم عاد وهو يقول لكل من يلقاه: لا يصح أن يحل محل الأب رجل آخر .. ورفع رأسه نحو مسكن أمه وصاح بأعلى صوته: يا أم عباس ... الله يسامحك» (محفوظ، ۲۰۱۵م، ص ۲۰-۲۱).

ترجمه: او بی سواد بود و حتی یک کلمه هم در مدرسه درس نخوانده بود و به این دلیل پدرش یکی از مغازه‌های ساختمان را برای او به منظور فروش شیرینی، بادام زمینی و هسته باز کرد و او سخاوتمندانه و بدون حساب و کتاب به بچه‌ها می‌بخشید. هنگامی که مادرش با حسنین ازدواج کرد، او به مدّت چند روز از محله ناپدید شد، سپس برگشت و به هرکس که در راه می‌دید می‌گفت: درست نیست که مرد دیگری جای پدر را بگیرد... و سرخود را به طرف منزل مادرش بالا برد و با صدای بلند فریاد زد: ام عباس... خدا تو را ببخشد(شمس آبادی وافضلي، ۱۳۸۸ هـ ش، ص ۲۷).

همانطور که در متن می‌بینیم مترجم دو واژه (أمِّي/ صاح بأعلى صوته) که بر جهل و خشم دلالت دارد براساس محوریت گفتمان قومی را به ترتیب در معانی (بی‌سوادی/ با صدای بلند فریاد زد) ترجمه کرده است ولی به نظر می‌رسد مترجم آن لحن عصبانیت را نتوانسته است به مخاطب خود انتقال دهد و حال آنکه عباس با خشم و عصبانیت آن را اعلام می‌دارد و این نوع از خشم بخاطر ازدواج مجدد مادرش در ترجمه فارسی انتقال نیافته است.

در متن عربی نویسنده توانسته است با بهره‌گیری از جمله اسمیه، حرف جزم

(لم) و مضاعف آوردن فعل مضارع (یحصل) تأکید بسیار قوی بر بی سوادی عباس و فرهنگ پایین او و در نتیجه برخورد نامناسب با مادرش داشته باشد ولی در متن فارسی مترجم نتوانسته است آن مفهوم را با ارائه معادل های مشابه برای این تأکیدها به مخاطب فارس زبان خود منتقل نماید.

ترجمه پیشنهادی: (او از علم و ادب هیچ بهره ای نبرده بود ... و با هرآنچه در توان داشت خروشید و گفت: ام عباس)

عفت عنصر دیگری از گفتمان های قومی و مردمی در بین جامعه مصر بوده و در این رمان نیز بدان توجه ویژه ای شده است؛ در بخش دوم داستان به قسمت (رؤیای نیمه شب) می‌رسیم، جایی که ام عباس بعد از فوت همسر خود به خاطر بهره ای که از زیبایی و دلربایی دارد با خواستگاران فراوانی روبرو می‌شود:

«کثیرون سعوا إلى التزوج بها، ولكن القسمة دفعت بها إلى أحضان رجل لم یجر عند الظن علی بال. کان حسنین یملک عربة کارو ویؤجرها إلى الغیر، فی الثلاثین من عمره، قوی الجسم مرهوب الجانب ومعدوداً من فتوات الدرجة الثالثة» (محفوظ، ۲۰۱۵م، ص ۲۰).

ترجمه فارسی: افراد زیادی تلاش کردند تا با او ازدواج کنند، ولی سرنوشت، او را به آغوش مردی سپرد که به ذهن هیچ کس خطور نمی‌کرد. «حسنین» یک درشکه کار داشت که به دیگران اجاره می‌داد. سی ساله بود، نیرومند، وحشتناک و در شمار گردن کلفت های درجه سوم (شمس آبادی و افضلی، ۱۳۸۸ هـ ش، ص ۲۶).

همانطور که در مثال فوق مشاهده می‌کنیم نجیب محفوظ از عبارت (دفعت بها إلى أحضان رجل) و در مقابل مترجم از عبارت (او را به آغوش مردی سپرد) استفاده کرده است؛ تلاش مترجم این بوده تا کلامی در نهایت عفت را بکار ببندد؛ نمونه های این ترجمه عقیف را در بخش های مختلفی از ترجمه شمس آبادی و افضلی مشاهده می‌کنیم. بنابراین در متن فوق مترجم عملکرد مطلوبی داشته و هم در ترجمه واژه ها و گفتمان موجود در متن مبدأ موفق عمل کرده است. نقطه

تاریک این متن نگاه جنسیتی در شرق نسبت به زن است که وقتی زنی مطلقه می‌گردد نگاه جنسیتی به سوی او زیاد می‌شود و امّ عباس نیز در این وضعیت قرار گرفته است.

۳-۴. گفتمان قانون‌گریزی و ساختارشکنی

نجیب محفوظ یکی از نویسندگان نوگرا و هنجارشکن در عصر معاصر بشمار می‌رود که در ساختار نثر عربی، دگرگونی‌های مضمونی و ساختاری بسیاری پدید آورد. وی همچنین نسبت به سیاست‌های موجود در مصر واکنش نشان می‌داد و شخصیتی قانون‌گریز داشت و این تفکرات در متن رمان‌های وی نمایان شده است. گاهی نجیب محفوظ در پی تعریفی متفاوت از مفاهیم است و بدین ترتیب، می‌خواهد اندیشه حاکم و غالب را نقد کند و کنار بزند. برای برگردان این فضای ساختارشکنانه، باید فضای نثر او را به خوبی فهمید:

«ومن نافذة اللوری مدّ بصره إلى الحجرة المغلقة. قائمة لصق السور علی يسار المدخل بسقف مائل نحو الباب وجدار لا لون له، مطلية بضوء القمر طاوية جوانحها علی قلوب مفعمة بالقلق، ككوخ مهجور فتخيل أنه جن الليل والخلاء. والغارة تنقض فتهدم كل قائم في المدينة و تطيح بالقانون والمفتي والقاضي والسجان وحبل المشنقة ويتفجر باطن الأرض وتجتاح كل شيء حتى الشهامة تختنق أنفاسها» (محفوظ، ۲۰۱۵م، ص ۱۴۵).

ترجمه: و از پنجره کامیون به اتاقی بسته چشم دوخت. کاغذی بیرنگ و آویزان به دیوار سمت چپی و روبروی درب ورودی چسبانده شده بود، نورانی همانند ماه درحالیکه قلبی سرشار از نگرانی را درون پنهان داشته بود، به مانند کلبه‌ای متروک، تصوّر کرد که دیوانه شب و صحرا است. حمله ناگهان در می‌رسد و افراد شهر را نابود می‌کند و قانون و مفتی و قاضی و زندانبان و طناب دار را سرنگون می‌کند. درون زمین شکافته می‌شود و همه چیز نابود می‌شود حتی شهامت نیز نفسش بند

می‌آید (شمس آبادی وافضلی، ۱۳۸۸ هـ ش، ص ۲۵۷).
 نویسندگان در این بخش از داستان به روایت برخی از مسائل هنجارشکنانه در درون حوادث رمان اشاره دارد. مترجم نیز ترجمه ادبی خود را با مکث‌های کوتاه همراه می‌سازد و این روش باعث پیچیدگی و ابهام در ترجمه شده است همانند: واژه (حمله ناگهان در می‌رسد) که معادل مناسبی برای (والغارة تنقض) نمی‌باشد. نجیب محفوظ در این داستان با اندیشه هنجارشکنانه سعی در القاء مفاهیم اجتماعی و فرهنگی در جامعه مصر دارد. شایان ذکر است در متن عربی شاهد فضایی هستیم که از فروپاشی و ویرانی و دگرگونی سخن می‌گوید، یک ویرانی کامل که پس از آن انتظار باقی ماندن چیزی را نمی‌توان داشت ولی در متن ترجمه مخاطب برداشتی وصفی و زیبایی‌شناسانه از متن دارد و به هیچ عنوان معنای نابودی و از هم گسیختگی را از این ترجمه دریافت نمی‌کند.
 ترجمه پیشنهادی: (ناگهان حمله‌ای سهمگین رخ می‌دهد و ...)

۴-۴. گفتمان دینی

نجیب محفوظ از دین آنچه را می‌پسندد که با مفاهیمی چون عدالت، دموکراسی، اخلاق و حسنات پیوند مستحکمی دارد و ابراز می‌دارد که وی از دینی نمی‌ترسد که به اندیشه و انسانیت وی احترام بگذارد؛ دینی که با وی در فضایی دموکراتیک وارد گفتگو می‌شود و از هر گونه تعصب و خشونت به دور است. گاهی مفاهیم دینی در نثر محفوظ مورد استفاده ادیبانه قرار می‌گیرد، و مفاهیم دینی را به کار می‌گیرد که نوعی قداست دارند تا تعبیر ادیبانه خود را غنا بخشد. در برخی موارد، مشاهده می‌شود که مترجم فارسی به قصد بومی‌گزینی گفتمان موجود در رمان، این ابزار ادیبانه را از بین می‌برد که متأسفانه این مسئله به ترجمه فارسی این متون نیز راه یافته است؛ به عنوان مثال، در عبارت زیر به مسأله استجاب دعا و خلوص نیت و قلب در این امر اشاره شده است:

«وقال البعض إنَّ الله قد استجاب لدعائهم، ولكن الطمأنينة لم تدخل قلوبهم. كل ما أحاط بهم أفتنهم بأن الفتونة أقوى من الحكومة» (محمفوظ، ۲۰۱۵م، ص ۹۰). ترجمه: برخی از مردم گفتند خداوند دعای آنها را مستجاب کرده، ولی بازهم آرامش به دل‌های آنان راه نیافت، هر آنچه که در دور و بر آنها بود، قانعشان کرد که فتنه و آشوب قوی‌تر از حکومت است (شمس آبادی وافضلی، ۱۳۸۸ هـ ش، ص ۱۰۸). در عبارت فوق، مترجم برای عبارت عربی (کل ما أحاط بهم) معنای پیش و پا افتاده (دور و بر) را استفاده کرده است که بنظر می‌رسد در ترجمه متن ادبی، روند ترجمه از حالت عادی خود خارج شده است. در عین حال سه عبارت (قد استجاب لدعائهم) / لم تدخل قلوبهم / کل ما أحاط بهم) به صورت غیرمستقیم یادآور آیاتی از قرآن کریم هستند که به متن رنگ و بوی دینی می‌دهد ولی در ترجمه فارسی این کاربرد خود را از دست می‌دهد.

ترجمه پیشنهادی: هر آنچه در پیرامون شان بود ...

گاهی در رمان نجیب محفوظ واژه‌های دینی و قرآنی می‌بینیم که در ترجمه فارسی، این واژه‌ها تغییر می‌یابند. یکی از این واژه‌ها «سیدخل الجحیم» است که برخلاف متن عربی به واژه «وارد جهنم می‌شود» ترجمه شده است:

«وقال إن آمنة تلعب بعقله و هي لاتدری، أو وهی تدری و أنه سیدخل الجحیم قبل أن یدرکه الموت. و لم تكن الحرب تهمة فی شی ولكنہ سمع بین فواصل من الأغاني أبناء اجتياح هولندا و بلجیکا و سقوط باريس» (محمفوظ، ۲۰۱۵م، ص ۱۴۴).

ترجمه: و گفت آمنه دانسته و ندانسته با عقل او بازی می‌کند و خود او پیش از آنکه مرگ به سراغش آید وارد جهنم می‌شود. جنگ چندان برای او اهمیتی نداشت ولی در فاصله آهنگ‌ها اخبار مربوط به نابودی و سرکوبی هلند و بلژیک و سقوط پاریس را شنید (شمس آبادی وافضلی، ۱۳۸۸ هـ ش، ص ۲۵۶).

همانگونه که مشاهده می‌کنیم مترجم دو جمله فعلیه (هی لاتدری / و هی تدری) را با انتخاب لفظ مصدری از (دانستن) به صورت (دانسته، ندانسته) ترجمه

کرده است که ضمن رعایت اختصار در کلام بر ریتم موسیقایی نیز افزوده است. اما در ترجمه عبارت (سیدخل الجحیم) فعل را همانگونه که می‌بایست آینده ترجمه می‌نمود، ترجمه نکرده است و حرف (سین) در ترجمه به اختیار مترجم حذف شده است؛ و نکته دیگر در فعل (یدرک) می‌باشد که به معنای (به طور کامل دریافتن چیزی) می‌باشد ولی در ترجمه مترجم به معنای (به سراغ کسی آمدن) می‌باشد و همان معنا را به طور کامل نمی‌رساند.

ترجمه پیشنهادی: (و او پیش از آنکه به طور کامل بمیرد وارد جهنم خواهد شد).

۵-۴. گفتمان ایدئولوژیک

هر رمانی بر پایه‌ی یک ایده و اندیشه کلی شکل می‌گیرد، و نویسنده افکار و باورهای خود را در قالب یک داستان بیان می‌کند. در واقع رمان «کانالی است که طی آن شالوده‌ی اصلی از داستان نویس به دریافت کننده انتقال می‌یابد» (الحمدانی، ۱۹۹۱م، ص ۴۵). این باور با نقش آفرینی شخصیت‌ها و در لابلاهی صحنه‌ها، تصاویر و حوادث به خواننده منتقل می‌شود. «ایدئولوژی هر رمان با تفکر عمیق در سیر داستان و حوادث آن می‌توان بدان دست یافت. با نگاهی عمیق به روند داستان از شروع تا پایان، و سخنان قهرمانان داستان می‌توان کامل به محتوای رمان پی برد در ترجمه بخش‌های سیاسی رمان فارسی نیز متن به خوبی گفتمان موجود را انتقال داده است و بنابراین اختیارات شخصی حذف یا تغییرات در برخی واژه‌ها مشهود است؛ این امر متن ترجمه شده را از روند مدّ نظر خود خارج نموده است هرچند که ترجمه مورد قبول می‌باشد» (ر.ک: فرکلاف و دیگران، ۱۳۹۵ هـ ش، ص ۲۶-۲۷). بنابراین یکی از راه‌های گسترش ایدئولوژی در اعمال برخی از مقوله‌ها و مؤلفه‌های دستگاه زبانی است (عزیزی مراد و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۱) نجیب محفوظ شهره به آن است که نویسنده سیاست است. به همین سبب، گفتمان برخی از رمان‌هایش، سیاسی است. در ترجمه برخی از این نثرها، گفتمان سیاسی به‌درستی منتقل نمی‌شود؛ به

عنوان مثال، در مقطعی از رمان «خانه بدنام»، متن، حال و هوایی سیاسی دارد: هل حقاً ستقع الحرب؟ ابتسمت ابتسامة دارت بها ضيقها بقطع تيار الحديث الأول وقالت: لم تعد الأقوال تنطلي على! الحالة أخرج مما تظنين. أهي تزعجك لهذا الحد؟ إيطاليا رابضة في ليبيا. رنت إليه بنظرة هادئة فاستطرد: وهي رابضة أيضاً في الحبشة، أتدركين معنى ذلك؟ ولكن الإنجليز...» (محفوظ، ۲۰۱۵م، ص ۱۳۳).

ترجمه: جنگ واقعاً رخ خواهد داد؟ زن با قطع حرف اوّل شان همراه با لبخندی که اندوه خود را با آن نهان می کرد، گفت: من دیگر فریب این حرفها را نمی خورم! این وضعیت بحرانی تر و وخیم تر از آنی است که فکر می کنی. جنگ تا این حد تو را آزار می دهد؟ ایتالیا توی لیبی نشسته است. زن نگاه آرامی به او انداخت و مرد ادامه داد: و لیبی توی هم توی حبشه نشسته است، می دانی این یعنی چه؟ ولی انگلستان (شمس آبادی و افضلی، ۱۳۸۸ هـ ش، ص ۲۳۷).

در گفتمان حاضر در متن بالا، مترجم در تلاش بوده تا متن را با همان مفهوم به مخاطب خود انتقال دهد ولی در سبک ترجمه خود از ترجمه ادبی پا را فراتر گذاشته و ترجمه به سوی ترجمه معنایی رفته است، به طور مثال در واژه های (مما تظنين) که به معنای (گمان کردن) می باشد مترجم آن را (فکر و اندیشه) ترجمه کرده است که تفاوت این دو بسیار است در عبارت بعدی نجیب محفوظ به مسأله استقرار نیروهای ایتالیایی در لیبی اشاره می کند و با عبارت (رابضة) در تلاش بوده تا اقامت طولانی مدّت ایتالیا را نشان بدهد و مترجم آن واژه را (نشستن) ترجمه نموده است که به نظر می رسد ترجمه دقیقی برای آن نباشد؛ زیرا واژه (رابضة) از یک سو به حیوانات اطلاق می شود و به همین خاطر نویسنده به کشور استعمارگر ایتالیا آن را نسبت داده است از طرف دیگر بهتر بود مترجم از واژه هایی نظیر (چمباتمه زدن، سیطره پیدا کردن) استفاده کند یا جنبه بلاغی و تشبیه بدان ببخشد گویا مانند حیوانی است که در اصطبل خوابیده است.

ترجمه پیشنهادی: (وخيم تر از آن است که گمان می کنی...).

ترجمه پیشنهادی: (ایتالیا بر لیبی سیطره پیدا کرده «چیره شده» است...).

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی ترجمه رمان «بیت سیء السمعة: خانه بدنام» می‌باشد که توسط حسین شمس آبادی و فرشته افضلی ترجمه شده است که براساس نظریه جولیان هاوس بررسی شده است ترجمه‌ای بسیار روان و ادبی از دو استاد برجسته زبان عربی که بر دو زبان مبدأ و مقصد تسلط کافی دارند اما در برخی از گفتمان‌ها از جمله گفتمان مذهبی - دینی، ملی - قومی و ساختارشکن و سیاسی تغییراتی بوجود آمده که در زبان مقصد نیست این تغییرات در بحث حذف برخی واژه‌ها، و یا برابریابی بعضی کلمات و گفتمان‌های حاکم در بافت جمله بسیار مشهود است.

۱) در فرآیند این ترجمه در برخی از جاها مترجم توانسته آن مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی را رعایت نماید و شاهد ترجمه‌ای مورد قبول از مترجم باشیم لکن در برخی دیگر شاهد تعدیل‌ها و تغییرات معمول همانند تغییر در سطح واژگانی و دستوری، با تغییرات گفتمانی هستیم؛ و این تغییرات سرانجام به تغییر نقش متن در زبان مقصد می‌انجامد.

۲) گفتمان شرقی و ضرورت توجه به آن در ترجمه یکی از سطوح قابل اعتناء از نظر جولیان هاوس است پس از بررسی‌های صورت گرفته در ترجمه شمس آبادی و افضلی و کشف مترجمان این رمان نسبت به مسائل فرهنگی حاضر بر مشرق زمین ترجمه نسبتاً قابل قبولی داشته‌اند هرچند گاهی اوقات در معادل‌یابی این گفتمان دچار اشتباه شده‌اند و این رفتار سینوسی در ترجمه واژگان، نشان از عدم توجه مترجم به ابعاد فرهنگی زبان مبدأ و مقصد می‌باشد.

۳) براساس سطح گفتمان قومی مترجم در ترجمه عناصری که مرتبط با عفت و رعایت موازین شرعی مسلمانان است، ترجمه دقیق و مناسبی را ارائه کرده است لکن در معادل‌یابی واژگانی که با خشم و رفتارهای غیرکلامی خشن همراه

- است آن را مطابق زبان مقصد و فرهنگ زبان فارسی ترجمه نموده است.
- (۴) مترجم در بُعد گفتمان دینی دست به تغییرات گسترده زده است به طوری که واژگان با مفهوم دینی و مذهبی که از سوی نجیب محفوظ به صورت ادیبانه آمده است آن را به صورت عادی ترجمه نموده است. همچنین در بحث ساختار شکنی مترجم ترجمه ادبی خود را با مکث‌های کوتاه همراه می‌سازد و این روش باعث پیچیدگی و ابهام در ترجمه شده است.
- (۵) یکی از نقدهای وارد بر ترجمه حاضر عدم رعایت سطوح ناظر بر گفتمان موجود در رمان «بیت سیء السمعة» است و براساس نظریه جولیان هاوس مترجم باید نسبت به بافت های متنی موجود در زبان مبدأ آگاه باشد در سطح پایانی و ایدئولوژیک مشاهده می‌نماییم که مترجم به هنگام ترجمه موضوع سیاسی اصطلاحات و واژگان را با نگاه ادبی ترجمه نموده است گویا که با ترجمه یک قصیده از شاعر مواجه هستیم و به دلیل دخالت های مترجم در گفتمان و ایدئولوژی متن مبدأ و تغییر در نوع پردازش آن، سرانجام نقش اصلی متن تغییر یافته و به صورت متن متناسب با گفتمان شخصی درآمده است.
- (۶) در سطح واژگانی مترجم در برخی موارد نتوانسته برای مفردات یا ترکیب های عربی معادل مناسبی انتخاب نماید و این عمل سبب شده تا خواننده فارسی زبان نتواند حس مدنظر نویسنده رمان عربی را با خواندن متن ترجمه شده بدرستی دریافت نماید.

منابع و مراجع

- ۱- أبو شریفه، عبدالقادر (۱۹۹۰م)، مدخل إلى تحليل النص الادبي، عمان: دارالفکر.
- ۲- بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹هـ ش)، درآمدی بر تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ۳- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۷ هـ ش)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نشر نی.
- ۴- شمس آبادی، فرشته افضلی (۱۳۸۸ هـ ش)، خانه بدنام، تهران: روزگار
- ۵- فیرکلاف، نورمن (۱۳۷۹ هـ ش) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- ۶- کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱ هـ ش)، کلام، مکالمه، رمان، ترجمه: پیام یزدانجو، بسوی پسا مدرن، تهران: نشر مرکز.
- ۷- الحمدانی، حمید (۱۹۹۱م)، بنیه النص السردی، بیروت: المرکز الثقافی العربی للطباعة والنشر والتوزیع.
- ۸- ماله، آلبر، ایزدک ژول، (۱۳۴۰ هـ ش)، تاریخ قرن نوزدهم و معاصر، ترجمه حسین فرهودی، جلد سوم، تهران: انتشارات ابن سینا.
- ۹- محفوظ، نجیب (۲۰۱۵م)، بیت سیء السمعة، چاپ چهارم، بیروت: دار الشروق.
- ۱۰- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۵ هـ ش)، دانشنامه نظریه های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: آگاه .
- ۱۱- وان دایک، تئون.ای (۱۳۸۲ هـ ش)، تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان ایزدی، بهرامپور، خرمايي، کاشي، مير فخرایي، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- ۱۲- الیسوعي، روبرت ب. کامبل (۱۹۹۶م)، أعلام الادب العربی المعاصر، جلد ۲، بیروت: مرکز الدراسات للعالم العربی المعاصر.
- ۱۳- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۶ هـ ش) «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»،

مجله ادب پژوهی. شماره ۱.

۱۴- عزیزی مراد، قاسم، جلال مرامی، اورنگ ایزدی، برابره‌های نابرابر مفعول
مطلق عربی در زبان فارسی، مجله الدراسات الأدبية، شماره ۱۰۵، صص
۰۶-۲۹

15-Bazzi, S (2009) Arab ews and conflict. Amsterdam & Philadelphia:
John Benjamins.